

بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران

علی تامرادی^۱، رضا رستمی نیا^۲، سعیده سرکمریان^۳

۱- مدرس گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، واحد رامهرمز

۲- عضو هیئت علمی گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر

۳- عضو هیئت علمی گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد باغملک

(tamoradi001@gmail.com)

چکیده

نقش ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها، با شناخت این واقعیت که ارتباطات سیاسی، تصمیمات و نتایج شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در ادبیات پژوهشی اخیر توجه قابل‌ملاحظه‌ای را به خود جلب کرده است. از این رو پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است. به این منظور اطلاعات ۱۵۰ شرکت تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ بر اساس متغیرهای پژوهش استخراج و به کمک رگرسیون روش حداقل مربعات تعمیم یافته با رویکرد داده‌های تلفیقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد انتخاب حسابرس بر شفافیت اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت دارد. همچنین نتایج نشان داد ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت بر رابطه بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری تأثیر منفی دارد و ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت دولتی بر رابطه بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت دارد.

واژگان کلیدی: انتخاب حسابرس، ارتباطات سیاسی، پرداختی به دولت، مالکیت دولتی، شفافیت اطلاعات حسابداری.

۱- مقدمه

حسابرسی صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مالی از مهم‌ترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات شرکت‌ها به شمار می‌رود. حسابرسان مستقل از طریق اعتبار دهی به صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مورد رسیدگی آلودگی‌ها را از اطلاعات مالی می‌زدایند و موجب شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. بر همین اساس، حسابرسی صورت‌های مالی توسط حسابرسان مستقل به‌عنوان یکی از الزامات اصلی بورس‌های مختلف دنیا به شمار می‌آید. در دهه اخیر، که به دلیل برخی رسوایی‌های مالی نظیر رسوایی‌های حسابداری شرکت‌های انرون، ورلدکام و نظایر آن استقلال حسابرسان همواره مورد سؤال قرار گرفت (بولو و همکاران، ۱۳۸۹). از آنجا که حسابرسان مسئولیت اعتبار دهی به صورت‌های مالی را دارند، هر چه حسابرسی با کیفیت‌تر و دقیق‌تر انجام گیرد، اعتبار صورت‌های مالی نیز افزایش می‌یابد، در نتیجه شفافیت اطلاعات حسابداری افزایش خواهد یافت. یکی از شواهد کیفیت حسابرسی، اندازه حسابرسی می‌باشد. حسابرسی با کیفیت‌تر، صحت اطلاعات ارائه شده را بهبود می‌بخشد و به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد تا برآورد دقیق‌تری از ارزش شرکت کسب کنند (نونهال نهر و همکاران، ۱۳۸۹). اعتقاد بر این است که رویه‌های حسابرسی شرکت‌های حسابرسی بزرگ ساختارمند بوده و از سازمان‌دهی نظام‌مندی برخوردار می‌باشد، از این رو احتمال کشف خطاهای حسابداری در آن‌ها بیشتر است. دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر، خدمات حسابرسی را باکیفیت بالاتری

ارائه می‌کنند، زیرا علاقه‌مندند شهرت بهتری در بازار کار به دست آورند. همچنین در پژوهش هنوک لوئیس (۲۰۰۵) مشخص شد، مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر معمولاً خدمات بهتری را نسبت به مؤسسات کوچک‌تر ارائه می‌دهند.

از سوی دیگر صورت‌های مالی تهیه شده توسط یک واحد اقتصادی علاوه بر استانداردهای حسابداری تحت تأثیر عوامل درون سازمانی و برون سازمانی متنوعی قرار دارد. برخی از این عوامل عبارت‌اند از انگیزه‌های و نوع نگرش مدیریت به گزارشگری مالی، دیدگاه مدیریت به بنگاه اقتصادی و کسب‌وکار، نفوذ مدیریت در فضای سیاسی جامعه، قوانین و مقررات حاکم بر نظام اقتصادی جامعه، فشارهای سیاسی و نظام حقوقی. یکی از عوامل مهم و قابل توجه، ارتباطات سیاسی واحدهای تجاری است. اصطلاح ارتباطات سیاسی به منظور بیان روابط نزدیک دولت و واحدهای تجاری استفاده می‌شود (رضایی و افروزی، ۱۳۹۴). ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد شرکت‌ها تمایل زیادی به برقراری روابط با دولت دارند؛ زیرا این روابط منافع زیادی نظیر دسترسی راحت‌تر به تأمین مالی خارجی (کلانزس و همکاران، ۲۰۰۸ در برزیل، کول و همکاران، ۲۰۱۵ در چین، جانسون و میتون، ۲۰۰۳ در مالزی؛ خواجه و میان، ۲۰۰۵ در پاکستان)، کاهش مالیات و تعرفه‌ها (ادرتی و همکاران، ۲۰۰۶ در بازارهای نوظهور، فاشیو، ۲۰۱۰ در مالزی) و بهبود فرصت‌های رشد و کاهش احتمال وقوع ورشکستگی (هوستون و همکاران، ۲۰۱۴ در آمریکا) را به دنبال داشته باشند که در نهایت باعث ارتقای عملکرد شرکت می‌شوند. در عوض شرکت‌ها ممکن است منافع به دست آمده ناشی از این ارتباطات را با دولت تسهیم نمایند. این نوع بافت اقتصادی در سطح جامعه، اقتصاد مبتنی بر رابطه نامیده می‌شود که دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاص خود می‌باشد. لذا می‌توان بیان کرد، در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباطات سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای روابط است و شرکت‌های دارای روابط سیاسی راحت‌تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطات خود دست می‌یابند. در نقطه مقابل وجود منافع، ارتباطات سیاسی می‌تواند پیامدهایی نظیر اهرم مالی بالا، تقسیم سود کمتر، هزینه سرمایه بالاتر و مازاد سرمایه‌گذاری و عملکرد ضعیف‌تری را موجب شود (خان و همکاران، ۲۰۱۶). منتقدان معتقدند که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی منابع قابل توجهی را فدای منافع اندک می‌کنند، نتیجه این امر منافع و مزایای ناشی از ارتباطات سیاسی از بین می‌رود و موجب تضعیف عملکرد شرکت می‌شود (فان و همکاران، ۲۰۰۷). ادبیات پژوهشی اخیر نشان داد ارتباطات سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتظار می‌رود این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی گردد و نتیجه آن تحت تأثیر قرار گرفتن شفافیت اطلاعات شرکت‌ها باشد (چنی و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین با توجه به اهمیت بالای مطالعه بررسی شفافیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، تاکنون این موضوع در ادبیات پژوهشی داخل کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو پژوهش حاضر به دنبال بررسی چگونگی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

۲- ادبیات و پیشینه پژوهش

بین دولت و شرکت‌ها نوعی تعامل وجود دارد. دولت در مقابل اجرای سیاست‌های خود توسط شرکت‌ها، امتیازهای مختلفی از جمله امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف‌های مالیاتی، دسترسی آسان‌تر به اعتبارات، یارانه‌های دولتی، بستن قراردادهای سودآور، کاهش تعرفه گمرکی و غیره در اختیار این شرکت‌ها قرار می‌دهد. از آنجا که این شرکت‌ها به دنبال فرصت‌هایی برای رشد و بهبود وضعیت فعلی خود هستند، از این تعامل دوطرفه استقبال می‌کنند. همچنین می‌توان بیان کرد دولت برقراری ارتباطات با این شرکت‌ها را به عنوان ابزاری جهت کنترل آن‌ها در نظر می‌گیرد. (رضایی و افروزی، ۱۳۹۴). شیلفر و وشینی (۱۹۹۴) ادعا می‌کنند که دولت تلاش می‌کند که شرکت‌ها را از طریق سوبسید و کمک‌های مالی تحت نفوذ خود در بیاورد در حالی که شرکت‌ها در تلاش‌اند که از طریق هزینه‌های سیاسی بر دولت نفوذ کنند (بارتلز و باردی، ۲۰۰۳). از آنجا که شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی معمولاً منافع خود را در روابط سیاسی می‌جویند، آن‌ها ممکن است هر عمل عمدی گمراه‌کننده را در گزارش‌های مالی خود به سرمایه‌گذاران را مخفی و یا پنهان کنند (لئوز و همکاران، ۲۰۰۳) و این عمل سهامداران اقلیت را قربانی می‌کند (لاپورتا و همکاران، ۲۰۰۳). آلام و

تیچر (۲۰۱۰) معتقد است شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی در بنگلادش به دلیل اینکه مدیران به واسطه ارتباطات سیاسی به صورت قابل توجه به خاطر سوء استفاده‌ها و درگیر شدن در بی‌نظمی‌های مالی مستعد خطرات برکناری و افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌باشند (آلام و تیچر، ۲۰۱۰). مدیران در این شرکت‌ها قادر به شرکت در انحرافات دارایی یا معاملات با اشخاص وابسته مشکوک و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بی‌بهره و به نفع منافع شخصی هستند. جاسون و میتون (۲۰۰۳) دریافتند که شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی از توانمندی و کارایی کمتری برخوردارند و شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی ممکن است منابع قابل توجهی را فدای فعالیت‌های سیاسی کنند که در نتیجه این امر منافع و مزایای ناشی از ارتباطات سیاسی از میان می‌رود (فان و همکاران، ۲۰۰۷). فاشیو (۲۰۱۰) نیز ادعا می‌کند که در بازارهای نوظهور، ارتباطات سیاسی می‌تواند به هزینه‌های نمایندگی منجر شود و در محیط قانونی ضعیف، مدیران تمایل بیشتری برای استفاده از ارتباطات سیاسی برای تأمین منافع خود و با صرف هزینه سهامداران اقلیت دارند.

درواقع مدیران شرکت‌ها از ارتباطات سیاسی می‌توانند به صورت کارا استفاده نمایند که این امر منجر به بهره‌مندی از فرصت‌ها در محیط کسب‌وکار به‌منظور سودآوری بیشتر می‌شود. از سوی دیگر مدیران شرکت‌های می‌توانند از ارتباطات سیاسی به گونه فرصت‌طلبانه استفاده نمایند، منافع سهامداران تحت تأثیر قرار خواهد گرفت (مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به اینکه برخی شواهد پژوهشی از این استدلال سازمانی حمایت می‌کند که شرکت‌ها با روابط سیاسی گرفتار مشکلات سازمانی شدید هستند از این رو به‌عنوان شرکت‌های پر ریسک در نظر گرفته می‌شوند (بوبری و همکاران، ۲۰۱۲، بلیس و گل، ۲۰۱۲). از این رو تحت چنین شرایطی، سهامداران چنین شرکت‌هایی تمایل بیشتری به افزایش نظارت خود بر شرکت‌ها دارای ارتباطات سیاسی و تقاضای حسابرسی باکیفیت بالاتر و استفاده از مؤسسات حسابرسی بزرگ دارند (مینگ تی و همکاران، ۲۰۱۷)؛ زیرا کیفیت حسابرسی هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد و از این طریق کیفیت اطلاعات حسابداری افزایش پیدا می‌کند (خان و همکاران، ۲۰۱۶). در واقع می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل تقاضا برای افزایش کیفیت حسابرسی، افزایش تضاد نمایندگی و همچنین بالا رفتن هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی دانست. گودهامی و همکاران (۲۰۱۴) نشان می‌دهند که احتمال بیشتری وجود دارد که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی حسابرسان چهارموسسه حسابرسی بزرگ دنیا را انتخاب کنند تا از این طریق شفافیت اطلاعات حسابداری را افزایش دهند. مینگ تی و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی شرکت و حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. در این پژوهش از اطلاعات صورت‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزی طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای مالکیت نهادی از حق‌الزحمه حسابرسی بالاتری برخوردار هستند و این ارتباط مثبت برای شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی محتمل‌تر است. لینگ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه ارتباطات سیاسی، مازاد سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار چین پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی شرکت تأثیر منفی بر عملکرد شرکت‌ها دارد. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به‌واسطه ارتباطات سیاسی مازاد سرمایه‌گذاری، عملکرد شرکت کاهش پیدا می‌کند. لیو و همکاران (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان سرمایه‌گذاران نهادی، بیش سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت‌ها انجام داده‌اند. در این پژوهش از اطلاعات شرکت‌های چینی طی دوره زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین مالکیت نهادی و سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که یک رابطه منفی و معنادار بین بیش سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سهام چین وجود دارد. خان و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه‌های نمایندگی پرداختند. در این پژوهش از اطلاعات صورت‌های مالی ۹۶۸ نمونه (سال - شرکت) شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بنگلادش طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی هزینه‌های نمایندگی بالاتری دارند و کیفیت حسابرسی هزینه‌های نمایندگی را کاهش داده و موجب تعدیل رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه‌های نمایندگی می‌شود.

ادرتی و ویرا (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت خانوادگی و ارتباطات سیاسی شرکت بر مدیریت سود پرداختند. در این پژوهش از اطلاعات ۲۶۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ استفاده شده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت خانوادگی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری و تأثیر مثبت بر مدیریت سود واقعی دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی شرکت تأثیر معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی ندارد. لیو و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه ارتباطات سیاسی و انتخاب حسابرِس با شفافیت صورت‌های مالی پرداختند. در این پژوهش از اطلاعات صورت مالی ۳۶۴۰ نمونه (سال - شرکت) شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به وسیله پرداختی به دولت بر رابطه بین انتخاب حسابرِس و شفافیت اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت دارد. براما و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی مدیریت سود واقعی و مبتنی بر ارقام تعهدی و ارتباطات سیاسی پرداختند. هدف از این پژوهش بررسی ارتباط میان مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و ارتباطات سیاسی است. نتایج این پژوهش نشان داده است که ارتباطات سیاسی شرکت‌ها با مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی رابطه معناداری دارد، همچنین سطح نظارت عمومی کشورها بر شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی دارند با مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی آن‌ها رابطه معناداری دارد.

رضایی و افروزی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی پرداختند. برای آزمون فرضیه‌ها، از نمونه‌ای شامل ۱۴۰ شرکت در ۲۱ صنعت طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین هزینه بدهی و ارتباطات سیاسی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. ضمناً هزینه بدهی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تحت تأثیر نقش دوگانه مدیرعامل قرار نگرفت، درحالی‌که هزینه بدهی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تحت تأثیر استقلال اعضای هیئت‌مدیره به صورت منفی و معنادار قرار گرفت. داودی نصر و حبیبی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ضمن تأکید بر نقش فرضیه پاداش پرداختند. نمونه آماری مشتمل بر ۹۶ شرکت می‌باشد که با روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است؛ که در مجموع ۴۸۰ سال شرکت بودند، در این پژوهش برای بررسی فرضیات پژوهش از رگرسیون خطی و همبستگی استفاده شده است. جهت تجزیه تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات پژوهش از نرم افزار Eviews استفاده شده است. با توجه به نتایج رگرسیون طرح پاداش بر ارتباط بین ارتباطات سیاسی شرکت‌ها و مؤلفه‌های مدیریت سود واقعی تأثیرگذار است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: انتخاب حسابرِس بر شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۲: ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به وسیله پرداختی به دولت بر رابطه بین انتخاب حسابرِس و شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۳: ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به وسیله مالکیت دولتی بر رابطه بین انتخاب حسابرِس و شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

با توجه به هدف ذکرشده ی پژوهش، این پژوهش از نظر نوع هدف کاربردی و از نظر شیوهی انجام، از نوع توصیفی می‌باشد. از آنجایی که این پژوهش در پی یافتن رابطه معناداری بین متغیرهای پژوهش (ارتباطات سیاسی انتخاب حسابرِس و شفافیت اطلاعات حسابداری) در یک جامعه می‌باشد، بنابراین پژوهش در زمره پژوهش‌های همبستگی قرار دارد. از طرف دیگر، پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته (صورت‌های مالی شرکت‌ها) انجام می‌گیرد. همچنین در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، ابتدا از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای، مبنای نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین گردآوری گردید و سپس داده‌های پژوهش با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های

توضیحی شرکت‌ها منتخب و با استفاده از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار تدبیر پرداز و تارنمای رسمی شرکت‌ها جمع‌آوری گردید.

۴-۱- مدل پژوهش

جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره شماره یک استفاده می‌شود.

مدل (۱)

$$TRA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CHOIC_{i,t} + \beta_2 (PLCA \times CHOIC)_{i,t} + \beta_3 (PLCB \times CHOIC)_{i,t} + \beta_4 FSIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \varepsilon$$

که در مدل فوق‌الذکر به ترتیب: TRA: شفافیت اطلاعات حسابداری، CHOIC: انتخاب حسابرس، PLCA: ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به وسیله پرداختی به دولت، PLCB: ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به وسیله مالکیت دولتی، FSIZE: اندازه شرکت، LEV: اهرم مالی، GRWTH: رشد شرکت، ROA: بازده دارایی‌ها می‌باشند.

۴-۲- متغیرهای پژوهش

۴-۲-۱- متغیر وابسته

شفافیت اطلاعات حسابداری (TRA): در این پژوهش برای اندازه‌گیری شفافیت اطلاعات حسابداری (شفافیت سود حسابداری) از مدل بارث و همکاران (۲۰۰۹) استفاده می‌شود. این مدل شفافیت را تغییر همزمان سود و تغییرات سود با بازده سهام معرفی می‌کند. شاخصی که میزان شفافیت سود را اندازه‌گیری می‌کند ضریب تعیین است که از رگرسیون بازده سهام در برابر سود و تغییرات آن به دست می‌آید.

$$R_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \frac{E_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{\Delta E_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل فوق‌الذکر به ترتیب:

$E_{i,t}$: سود هر سهم قبل از اقلام غیرعادی شرکت i در سال t ، $P_{i,t-1}$: قیمت سهام شرکت i در سال $t-1$ ، $\Delta E_{i,t}$: تغییرات سود هر سهم قبل از اقلام غیرعادی شرکت i از سال $t-1$ تا t ، $R_{i,t}$: بازده سالانه سهام شرکت i در سال t می‌باشد. این متغیر در پژوهش بادآور نهندی و همکاران (۱۳۹۲) با همین عنوان به کار رفته است.

۴-۲-۲- متغیر مستقل

انتخاب حسابرس (CHOIC): در این پژوهش مؤسسات حسابرسی را به دو گروه تقسیم نموده و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی در زمره حسابرس کوچک (مؤسسات حسابرسی کوچک) و سازمان حسابرسی به دلیل کارکنان زیاد و قدمت بیشتر در زمره حسابرس بزرگ قرار می‌گیرد. بدین منظور از متغیر مجازی صفر و یک استفاده می‌شود بدین صورت که اگر حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی انجام شود عدد یک و اگر توسط مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی انجام شود عدد صفر استفاده می‌شود. این متغیر در پژوهش بنی مهد و جعفری معافی (۱۳۹۰) و پاشایی و ملکیان (۱۳۹۱) با همین عنوان به کار رفته است.

۴-۲-۳- متغیرهای تعدیل‌گر

ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به وسیله پرداختی به دولت (PLCA): ارتباطات سیاسی متغیر مستقل می‌باشد که از طریق لگاریتم مجموع پرداختی‌ها به دولت قابل اندازه‌گیری می‌باشد؛ بنابراین جهت اندازه‌گیری میزان ارتباطات سیاسی شرکت از نسبت مجموع مالیات پرداختی شرکت، بیمه پرداختی شرکت (کارفرما و کارکنان)، هزینه‌های ناشی از کمک‌های بلاعوض به اشخاص

و ارگان‌ها و نهادها و حقوق گمرکی صادرات به دست می‌آید. این متغیر در پژوهش و رحمانی (۱۳۹۵) با همین عنوان به کار رفته است.

ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت دولتی (PLCB): اگر حداقل یکی از سهامداران عمده شرکت (سهامداری که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارد) از شخصیت‌های وابسته به دولت باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود. این متغیر در پژوهش حبیب و همکاران (۲۰۱۸) و مهربان پور و همکاران (۱۳۹۶) نیز با همین تعریف به کار رفته است.

۴-۲-۴- متغیرهای کنترلی

به‌منظور کنترل سایر متغیرهایی که به نحوی در تجزیه‌وتحلیل مسئله پژوهش مؤثرند، متغیرهای کنترلی لازم با توجه به پژوهش لیو و همکاران (۲۰۱۶) انتخاب شده‌اند، زیرا در پژوهش آن‌ها نشان داده شد که این متغیرها، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر متغیر وابسته هستند.

اندازه شرکت (FSIZE): برای تعیین اندازه شرکت از معیارهای مختلفی مانند ارزش مجموع دارایی‌ها، مجموع فروش، تعداد کارکنان، ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت استفاده می‌شود. استفاده از لگاریتم برای از بین بردن حالت غیرخطی بودن داده‌های مربوط به اندازه شرکت می‌باشد. حالت غیرخطی داده‌ها به این دلیل به وجود می‌آید که ارزش دارایی‌های شرکت‌ها بسیار پراکنده است و استفاده از لگاریتم باعث تسهیل بررسی‌ها می‌شود.

$$FSIZE = \text{Log} (\text{Total assets})$$

که در آن FSIZE اندازه شرکت، Log لگاریتم و Total Assets کل دارایی‌ها می‌باشد.

اهرم مالی (LEV): این نسبت نشان می‌دهد که چه مقدار از دارایی‌های شرکت از طریق بدهی و استقراض و چه میزان از طریق سرمایه تأمین شده است. از جمع مقدار کل بدهی‌های شرکت تقسیم بر جمع کل دارایی‌های شرکت در سال مورد نظر به دست می‌آید.

$$LEV = \text{Total Debt} / \text{Total Assets}$$

که در آن LEV اهرم مالی، Total Debt کل بدهی‌ها و Total Assets کل دارایی‌ها می‌باشد.

بازده دارایی‌ها (ROA): بازده دارایی‌ها از معیارهای حسابداری سنجش عملکرد تلقی شده و از حاصل تقسیم سود خالص بر مجموع دارایی‌ها قابل محاسبه است. این نسبت میزان کارایی مدیریت را در به‌کارگیری منابع موجود در جهت تحصیل سود را نشان می‌دهد. نسبت مزبور اغلب توسط سرمایه‌گذاران بالقوه، برای ارزیابی مدیریت شرکت استفاده می‌شود.

$$ROA = \text{Net Profit} / \text{Total assets}$$

که در آن ROA بازده دارایی‌ها، Net Profit سود خالص، Total assets کل دارایی‌ها می‌باشد.

۴-۳- جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و نمونه پژوهش

کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند و فرضیه‌های مورد نظر در رابطه با این جامعه آماری مورد مطالعه و آزمون قرار خواهد گرفت. به دلیل گستردگی و حجم آماری جامعه و وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضاء جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده‌اند.

۱) کلیه شرکت‌ها باید قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس حضور داشته و تا پایان سال ۱۳۹۵ سهام آن‌ها در بورس مورد معامله قرار گرفته باشد.

۲) شرکت‌ها نیابستی در طول سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ وقفه عملیاتی قابل‌ملاحظه‌ای نداشته باشند.

- ۳) شرکت‌ها در طول این سال‌ها تغییر سال مالی نداده و اطلاعات مورد نیاز به‌منظور استخراج داده‌ها در دسترس باشد.
- ۴) شرکت‌ها جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری و هلدینگ و لیزینگ نباشد، زیرا ساختار گزارشگری در آن‌ها متفاوت است.
- ۵) سال مالی آن‌ها ۱/۱ تا ۱۲/۲۹ می‌باشد (ابتدای سال).
- با توجه به مطالب مطرح‌شده محدودیت‌های ذکرشده درنهایت از بین جامعه آماری به‌صورت حذف سیستماتیک ۱۵۰ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب گردید.

۴-۴- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

داده‌های اولیه پس از استخراج از منابع ذکر شده وارد نرم افزار اکسل شده تا با انجام برخی محاسبات، متغیرهای مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به‌دست آید. سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Eviews اقدام به آزمون فرضیه‌های پژوهش شده است. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر از آمار توصیفی (میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر) و آمار استنباطی (رگرسیون خطی چندگانه) استفاده شده است.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ منعکس شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. همان‌طور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است میانگین ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت برای شرکت‌های مورد بررسی طی سال‌های مورد آزمون ۴,۹۱ بوده است میانه نیز یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می‌باشد که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود میانه متغیر ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت برای شرکت‌های مورد بررسی ۵,۰۳ می‌باشد که نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. انحراف معیار نیز نشان‌دهنده‌ی میزان تغییرات مجذور داده‌های متغیر وابسته حول میانگین است و هر چه کمتر باشد، نشان از توزیع نرمال داده‌های مربوط به آن متغیر دارد. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. در بین متغیرهای پژوهش، شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت دارای کمترین میزان پراکندگی می‌باشند.

جدول ۱. آماره توصیفی پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شفافیت اطلاعات حسابداری	TRA	۰,۴۸	۰,۴۷	۰,۱۰	۰,۰۶	۰,۷۷
ارتباطات سیاسی (پرداختی به دولت)	PLCA	۴,۹۱	۵,۰۳	۱,۱۱	۱,۰۸	۶,۸۹
ارتباطات سیاسی (مالکیت دولتی)	POLCB	۰,۱۲	۰,۰۰	۰,۱۱	۰,۰۰	۱,۰۰
انتخاب حسابرس	CHOIC	۰,۳۱	۰,۰۰	۰,۴۶	۰,۰۰	۱,۰۰
اندازه شرکت	FSIZE	۵,۹۴	۵,۸۸	۰,۷۵	۴,۰۲	۸,۱۷
اهرم مالی	LEV	۰,۶۰	۰,۶۴	۰,۱۶	۰,۱۱	۰,۸۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۱۴	۰,۰۸	۰,۳۵	-۱,۱۵	۲,۹۸

مأخذ: محاسبات پژوهشگر

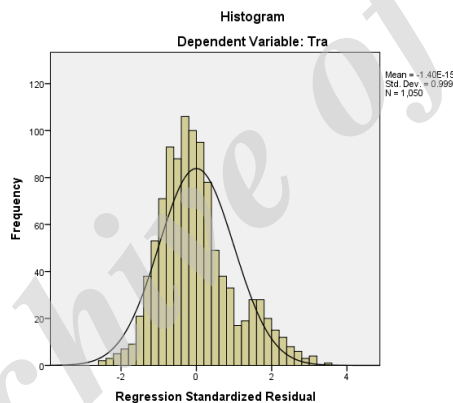
۵-۲- آمار استنباطی

محقق پیش از آزمون فرضیه‌ها به منظور اطمینان از برقراری پیش فرض استفاده از مدل رگرسیونی و نیز اطمینان از قابل اتکا بودن نتایج، شرایط استفاده از رگرسیون خطی را مورد بررسی قرار می‌دهد. شرایط استفاده از مدل رگرسیون خطی به صورت زیر است این آزمون‌ها در ادامه تشریح می‌گردند.

- (۱) میانگین خطاها صفر باشد.
- (۲) واریانس خطاها ثابت باشد (مفروضات ۱ و ۲ به معنای نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌ها است)
- (۳) بین خطاها مدل همبستگی وجود نداشته باشد.
- (۴) متغیر وابسته دارای توزیع نرمال باشد.
- (۵) بین متغیرهای مستقل و کنترلی مشکل هم خطی وجود نداشته باشد.

۵-۲-۱- بررسی میانگین خطاها

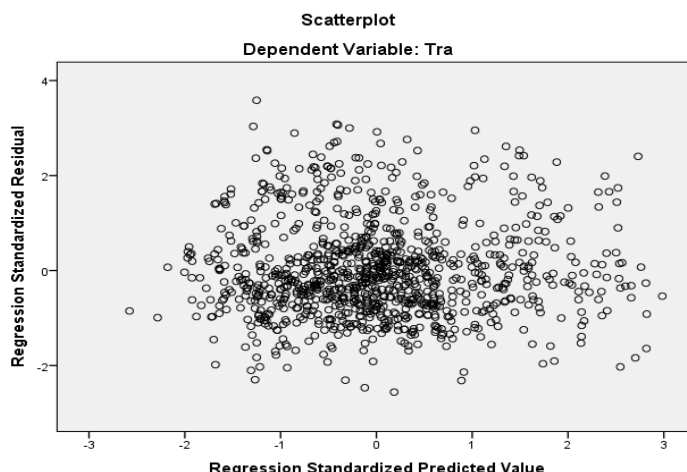
یکی از مفروضات در نظر گرفته در رگرسیون خطی، آن است که خطاها دارای توزیع نرمال با میانگین صفر باشند. بدهی است که عدم برقراری این پیش‌گزیده نمی‌توان از رگرسیون سود جست. برای این منظور از نمودار نرمال باقیمانده‌ها استاندارد شده استفاده شده است. با توجه به نمودار توزیع فراوانی خطاها و نمودار توزیع نرمال برای مدل یک، مشاهده می‌شود که توزیع مانده‌ها در مدل تقریباً نرمال است، پس می‌توان رگرسیون را به کار برد. همچنین مقدار میانگین ارائه شده در سمت راست نمودارها بسیار کوچک (نزدیک به صفر) و انحراف معیار نزدیک به یک است؛ بنابراین می‌توان گفت که خطاها دارای توزیع نرمال استاندارد هستند.



نمودار ۱: میانگین خطاها در مدل یک

۵-۲-۲- بررسی واریانس خطاها

یکی از مفروضات در نظر گرفته در رگرسیون خطی، آن است که واریانس خطاها تقریباً ثابت باشند. برای بررسی ثابت بودن واریانس خطاها از نمودار پراکنش باقیمانده در رگرسیون برازش شده استفاده شده است. همان‌طور که در نمودار مدل یک مشاهده می‌شود می‌بینیم خطاها روند خاصی ندارند و حول خط $X=0$ و $y=0$ به تصادف پخش شده‌اند در نتیجه واریانس خطاها تقریباً ثابت می‌باشد.



نمودار ۲: واریانس خطاها در مدل یک

۵-۲-۳- بررسی استقلال خطاها

یکی از مفروضات که در رگرسیون مد نظر قرار می‌گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش بینی شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها به یکدیگر همبستگی داشته باشند امکان بهره‌مندی از رگرسیون وجود ندارد. به‌منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. با توجه به جدول شماره ۲ از آنجایی که مقدار دوربین واتسون برای مدل بین ۱,۵ تا ۲,۵ است فرض استقلال خطاها پذیرفته می‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد.

جدول ۲. نتایج آزمون دوربین واتسون

مدل	آماره دوربین واتسون
۱	۱,۹۳

مأخذ: محاسبات پژوهشگر

۵-۲-۴- بررسی نرمال بودن توزیع متغیر وابسته

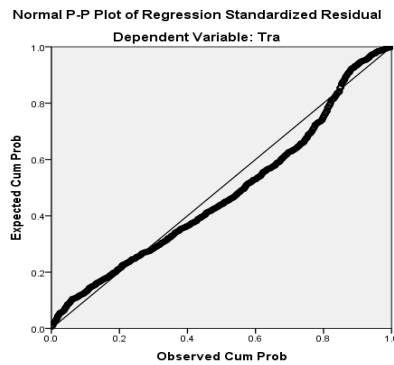
یکی از پیش‌فرض‌های رگرسیون، نرمال بودن متغیر وابسته است. در این پژوهش برای بررسی نرمال بودن متغیرهای وابسته از آزمون کولمو گوروف اسمیرنوف استفاده شده است.

جدول ۳. آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

متغیر	مقدار آماره آزمون	سطح معناداری
TRA	۱,۳۸	۰,۱۲

مأخذ: محاسبات محقق

بر اساس جدول شماره ۳ آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، سطح معنی‌داری به دست آمده برای متغیر وابسته یعنی شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت بیشتر از ۵ درصد می‌باشد که بیانگر این موضوع است که داده از توزیع نرمال برخوردار هستند و برای آزمون فرضیه‌ها می‌توان از رگرسیون خطی استفاده کرد. همچنین نمودار توزیع متغیر وابسته یعنی شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت به‌صورت زیر است. در این نمودار همان‌طور که نشان داده شده است نقاط داده‌ها بر روی خط یا اطراف آن قرار دارند که نشان دهنده یک توزیع نرمال می‌باشد.



نمودار شماره ۳: توزیع متغیر وابسته

۵-۲-۵- بررسی مشکل هم خطی

یکی از پیش فرض‌های رگرسیون، عدم وجود مشکل هم خطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی است. هم خطی وضعیتی است که نشان می‌دهد یک متغیر (مستقل و یا کنترلی) تابعی خطی از سایر متغیرهای (مستقل و یا کنترلی) دیگر است. هم خطی بالا بدین معناست که بین متغیرهای مستقل و یا کنترلی همبستگی بالایی وجود دارد؛ بنابراین زمانی که در داده‌های مورد مطالعه در بین متغیرهای مستقل مشکل هم خطی وجود داشته باشد، نتایج رگرسیون قابل اتکا نمی‌باشد و نمی‌توان از رگرسیون خطی چندگانه استفاده کرد. برای بررسی مشکل هم خطی چندگانه در داده‌های مورد مطالعه در این پژوهش از عامل تورم واریانس و تلرانس استفاده شده است. زمانی که عامل تورم واریانس کوچک‌تر از ۱۰ و تلرانس بزرگ‌تر از ۰/۱ باشد، نشان‌دهنده عدم هم خطی در داده‌ها است. هر چقدر تلرانس کم باشد، اطلاعات مربوط به متغیرها کم بوده و مشکلاتی در استفاده از رگرسیون ایجاد می‌شود. عامل تورم واریانس نیز معکوس تلرانس بوده و هر چه قدر افزایش یابد باعث افزایش واریانس ضرایب رگرسیون می‌شود و رگرسیون را برای پیش‌بینی نامناسب می‌سازد. جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که میزان عامل تورم واریانس در کلیه موارد کمتر از ۱۰ و میزان تلرانس بزرگ‌تر از ۰/۱ است؛ بنابراین، مشکل هم خطی میان متغیرهای توضیحی وجود ندارد.

جدول ۴. بررسی هم خطی بین متغیرها

متغیر	نماد	Tolerance	VIF
انتخاب حسابرس	CHOIC	۰,۷۱۵	۲,۰۹۵
ارتباطات سیاسی (پرداختی به دولت) × انتخاب حسابرس	PLCA × CHOIC	۰,۷۸۴	۲,۱۳۷
ارتباطات سیاسی (مالکیت دولتی) × انتخاب حسابرس	PLCB × CHOIC	۰,۷۱۵	۲,۰۹۴
اندازه شرکت	FSIZE	۰,۹۸۴	۱,۰۱۶
اهرم مالی	LEV	۰,۹۸۴	۱,۰۱۶
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۹۹۲	۱,۰۰۸

مأخذ: محاسبات پژوهشگر

۵-۳- بررسی مدل

برای بررسی نوع آزمون مدل در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی، از آزمون F لیمر (چاو) استفاده شده است. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، نتایج آزمون چاو فرض صفر این آزمون مبنی بر مشابه بودن عرض از مبدا در تمام دوره‌ها را، برای مدل پژوهش به طور قوی تأیید کرده است (سطح خطا بیشتر از ۰/۵). لذا، روش تخمین داده‌های تلفیقی برای برآورد مدل‌های آزمون فرضیه‌های پژوهش، گزینه‌ی مناسب‌تری است.

جدول ۵. آزمون چاو در بررسی مدل فرضیه‌های پژوهش

نوع آزمون	p-value	آماره‌ی F	آزمون چاو
داده‌های تلفیقی	۰,۳۵۸	۱,۱۷۶	H0: یکسانی عرض از مبدا مقاطع

مأخذ: محاسبات پژوهشگر

۴-۵- آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون مدل پژوهش برای سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ به صورت تحلیل ترکیبی داده‌ها به شرح نگاره‌ی شماره‌ی ۶ می‌باشد. ضریب تعیین، معیاری را برای خوبی برازش رگرسیون برآورد شده با اطلاعات آماری دوره نمونه و برای مقاطع مختلف، فراهم می‌سازد. هر چه مقدار ضریب تعیین بیشتر باشد برازش بهتری بین رابطه خطی برآورد شده و داده‌های آماری نمونه وجود دارد. همان‌گونه که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود با توجه به مقدار ضریب تعیین ۵۳ درصد از تغییرات شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت را می‌توان به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل یک توضیح داد. همچنین با توجه به آنکه آماره F مدل پژوهش بیشتر از ۲ و Sig کمتر از ۵ درصد است، می‌توان گفت در مدل دست‌کم یکی از متغیرهای مستقل و یا کنترلی دارای رابطه خطی با متغیر وابسته است.

جدول شماره ۶. نتایج آزمون رگرسیون مدل پژوهش

متغیرها	نماد	ضریب	آماره t	P.V
عرض از مبدا	-	۱,۲۷	۳,۶۶۲	۰,۰۰
انتخاب حسابرس	CHOIC	۰,۱۳	۳,۱۸	۰,۰۰
ارتباطات سیاسی (پرداختی به دولت) × انتخاب حسابرس	PLCA × CHOIC	۰,۰۸	۲,۴۹	۰,۰۱
ارتباطات سیاسی (مالکیت دولتی) × انتخاب حسابرس	PLCB × CHOIC	۰,۱۵	۳,۴۸	۰,۰۰
اندازه شرکت	FSIZE	۰,۰۴	۲,۵۵	۰,۰۰
اهرم مالی	LEV	-۰,۰۳	-۱,۸۳	۰,۰۶
بازده دارایی‌ها	GRWTH	۰,۰۵	۳,۲۲	۰,۰۰
آماره F	سطح معناداری	ضریب تعیین		۰,۵۳
۲۱,۹۴	۰,۰۰			

مأخذ: محاسبات پژوهشگر

۴-۵-۱- آزمون فرضیه یک پژوهش

فرضیه ۱: انتخاب حسابرس بر شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

در این فرضیه متغیر وابسته، شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت و متغیر مستقل انتخاب حسابرس است. نتایج آزمون مدل پژوهش و آماره‌ی t و Sig مزبور به فرضیه‌ی یک در جدول شماره‌ی ۶ نشان داده شده است. نتایج این جدول بیان می‌کند که مقدار آماره‌ی t و Sig برای متغیر فرضیه‌ی اول، یعنی انتخاب حسابرس به ترتیب ۳,۱۸ و ۰,۰۰ می‌باشد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰,۰۵ بوده است، بنابراین انتخاب حسابرس تأثیر معناداری بر شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران داشته و فرضیه‌ی اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر مستقل یعنی انتخاب حسابرس (۰,۱۳) مثبت می‌باشد. این بدین مفهوم است که انتخاب حسابرس بر شفافیت اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت معناداری دارد.

۴-۲-۴-۵- آزمون فرضیه دو پژوهش

فرضیه ۲: ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت بر رابطه بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

برای تأیید یا رد این فرضیه ابتدا به ضریب انتخاب حسابرس (CHOIC) توجه می‌کنیم که این ضریب ۰,۱۳ بوده و در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار گرفته و انتخاب حسابرس بر شفافیت اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت دارد. در مرحله بعد در جدول شماره ۶ به ضریب متغیر (PLCA × CHOIC) مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ این ضریب ۰,۰۸ بوده و آماره تی استیودنت و سطح معناداری آن نیز به ترتیب ۲,۴۹ و ۰,۰۱ بوده است که نشان از تأیید فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد (ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت باعث کاهش رابطه مثبت بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت می‌شود و از ۱۳٪ به ۰,۸٪ کاهش می‌یابد). در واقع ضریب ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت زمانی که در انتخاب حسابرس ضرب می‌شود از ۰,۱۳ به ۰,۰۸ کاهش می‌یابد و اصطلاحاً اثر تعدیلی ۵٪ ایجاد می‌کند. پس فرضیه دو پژوهش مورد پذیرش واقع می‌شود و می‌توان بیان کرد ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت بر رابطه مثبت انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر کاهشی دارد. در واقع ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت بر رابطه انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری تأثیر منفی معناداری دارد.

۴-۳-۴-۵- آزمون فرضیه سه پژوهش

فرضیه ۳: ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت دولتی بر رابطه بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

برای تأیید یا رد این فرضیه ابتدا به ضریب انتخاب حسابرس (CHOIC) توجه می‌کنیم که این ضریب ۰,۱۳ بوده و در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار گرفته و انتخاب حسابرس بر شفافیت اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت دارد. در مرحله بعد در جدول شماره ۶ ضریب متغیر (PLCB × CHOIC) مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ این ضریب ۰,۱۵ بوده و آماره تی استیودنت و سطح معناداری آن نیز به ترتیب ۳,۴۸ و ۰,۰۰ بوده است که نشان از تأیید فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد (ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت دولتی باعث افزایش رابطه مثبت بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت می‌شود و از ۱۳٪ به ۱۵٪ کاهش می‌یابد). در واقع ضریب ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت دولتی زمانی که در انتخاب حسابرس ضرب می‌شود از ۰,۱۳ به ۰,۱۵ افزایش می‌یابد و اصطلاحاً اثر تعدیلی ۲٪ ایجاد می‌کند. پس فرضیه سه پژوهش مورد پذیرش واقع می‌شود و می‌توان بیان کرد ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت دولتی بر رابطه مثبت انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر افزایشی دارد. در واقع ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت دولتی بر رابطه انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت معناداری دارد.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها پژوهش

همان‌گونه که در ادبیات پژوهش تشریح گردید شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی امتیازهای مختلفی از جمله امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف‌های مالیاتی، دسترسی آسان‌تر به اعتبارات، یارانه‌های دولتی، بستن قراردادهای سودآور، کاهش تعرفه گمرکی و غیره در اختیار این شرکت‌ها قرار می‌دهد؛ اما در کنار همه این منافع، در چنین شرکت‌هایی مدیران به‌واسطه ارتباطات سیاسی به‌صورت قابل توجه به خاطر سوء استفاده‌ها از موقعیت شرکت و درگیر شدن در بی‌نظمی‌های مالی رفتار فرصت‌طلبانه داشته و موجب افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شوند. در واقع مدیران در این شرکت‌ها قادر به انحرافات دارایی‌های یا معاملات با اشخاص

وابسته مشکوک و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بی‌بهره و به نفع منافع شخصی (سرمایه‌گذاری بیش‌ازاندازه) هستند. در واقع شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی ممکن است منابع قابل توجهی را فدای فعالیت‌های سیاسی کنند که در نتیجه این امر منافع و مزایای ناشی از ارتباطات سیاسی از میان می‌رود. به همین جهت احتمال دست‌کاری گزارش‌های مالی در چنین شرکت‌هایی بالا است و مدیران شرکت‌های می‌توانند از ارتباطات سیاسی به گونه فرصت‌طلبانه استفاده نمایند، منافع سهامداران را از طریق کاهش شفافیت اطلاعات حسابداری تحت تأثیر قرار دهند. از سوی دیگر تضاد منافع بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران منجر برای حسابرسی باکیفیت شده است زیرا حسابرسی صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مالی از مهم‌ترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات شرکت‌ها به شمار می‌رود و یکی از راه‌های افزایش شفافیت اطلاعات حسابداری، انجام حسابرسی باکیفیت بالا است. مهم‌ترین شاخص اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، اندازه حسابرسی است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند، به طوری که هر چه اندازه حسابرسی بزرگ‌تر باشد، کیفیت حسابرسی هم بالاتر خواهد بود. در کشور ایران نیز سازمان حسابرسی به‌عنوان یک مؤسسه حسابرسی دولتی به ارائه خدمات حرفه‌ای حسابرسی می‌پردازد و به نسبت سایر مؤسسه‌های حسابرسی، از حجم صاحب‌کاران بالاتری برخوردار است. به‌علاوه، به‌واسطه ساختار دولتی و انتخاب قهری (اجباری)، این سازمان به دلیل کارکنان زیاد و قدمت بیشتر در زمره حسابرسی بزرگ قرار می‌گیرد و از کیفیت بالاتری برخوردار است که همین امر توانسته است منجر به افزایش کیفیت حسابرسی بالاتر آن نسبت به سایر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی شود؛ بنابراین با انتخاب سازمان حسابرسی به‌عنوان رسیدگی‌کننده صورت‌های مالی شرکت، شفافیت اطلاعات حسابداری افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به نتایج پژوهش ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت رابطه مثبت انتخاب حسابرسی و شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر کاهش می‌دهد، زیرا در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، مدیریت به‌واسطه قدرت و نفوذ خویش مدیران مایل به انتخاب حسابرسانی هستند که دیدگاه هماهنگ با آن‌ها را داشته باشند و با توجه به نبود قوانین محکم حسابرسی، در صورت مخالف بودن دیدگاه حسابرسان با آن‌ها، در سال‌های بعد همکاری خود را با آن‌ها قطع می‌کند، زیرا شرکت‌ها برای کنار گذاری حسابرسان نیاز به پاسخگویی ندارند؛ بنابراین در چنین شرکت‌هایی ممکن است شفافیت اطلاعات حسابداری کاهش پیدا کند.

از سوی دیگر با توجه به اینکه برخی شواهد پژوهشی از این استدلال سازمانی حمایت می‌کند که شرکت‌های دارای روابط سیاسی گرفتار مشکلات سازمانی شدید هستند از این رو به‌عنوان شرکت‌های پر ریسک در نظر گرفته می‌شوند. از این رو تحت چنین شرایطی، سهامداران عمده وابسته به دولت در چنین شرکت‌هایی تمایل بیشتری به افزایش نظارت خود بر شرکت‌ها دارای ارتباطات سیاسی و تقاضای حسابرسی با کیفیت بالاتر دارند، زیرا کیفیت حسابرسی، شفافیت اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد. با توجه به نتایج پژوهش به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، تحلیل‌گران و کارگزاران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی پیشنهادی کاربردی زیر ارائه می‌شود.

- ۱) به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و به تأمین‌کنندگان مالی شرکت‌های بورسی، پیشنهاد می‌شود که در تصمیمات در خصوص خرید و فروش سهام و اعطای وام به شرکت‌ها به ارتباطات سیاسی توجه داشته باشند زیرا ارتباطات سیاسی موضوع مهمی است که بر شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت تأثیر دارد عدم توجه به چنین مقوله‌ای و ممکن است منجر به تصمیم‌گیری اشتباه و در نهایت کاهش ارزش شرکت شود.
- ۲) با توجه به تأثیر منفی ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت بر رابطه انتخاب حسابرسی و شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت، پیشنهاد می‌شود به نقش ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها توجه بیشتری شود؛ زیرا تا کنون به کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
- ۳) با توجه به تأثیر مثبت ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت دولتی بر رابطه انتخاب حسابرسی و شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت، پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها به نقش این موالفه ارتباطات سیاسی به جهت افزایش نظارت بر تصمیمات مدیریت توجه بیشتری شود و سعی در تقویت مالکیت چنین سهامدارانی باشند.
- ۴) با توجه به اینکه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و شفافیت اطلاعات حسابداری رابطه مثبت وجود دارد پیشنهاد می‌شود در زمان انتخاب حسابرسی به این مهم توجه گردد.

مراجع

۱. بادآور نهندی، یونس، قادری، صلاح الدین و رضا بهشتی نهندی (۱۳۹۲)، تأثیر شفافیت اطلاعات حسابداری بر ناکارایی سرمایه گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۸، صص ۶۵-۸۲.
۲. بنی مهد، بهمن و رضا جعفری معافی (۱۳۹۰)، کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب حسابرس، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۳۳، صص ۸۱-۹۸.
۳. بولو، قاسم، مهام، کیهان و اسماعیل گودرزی (۱۳۸۹)، تغییر حسابرس مستقل و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۵.
۴. پاشایی، علی و اسفندیار ملکیان (۱۳۹۱)، تأثیر نظام راهبری شرکتی بر انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۱، صص ۲۱-۳۱.
۵. داودی نصر، مجید و فاطمه حبیبی (۱۳۹۴)، تأثیر ارتباطات سیاسی بر مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ضمن تاکید بر نقش فرضیه پاداش، http://www.civilica.com/Paper-ICMSSCONF01-ICMSSCONF01_099.html
۶. رحمانی، ایرج، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، شماره ۱، صص ۳۹-۵۱.
۷. رضایی، فرزین و لیلیا افروزی (۱۳۹۴)، بررسی رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، فصلنامه پژوهش حسابداری، شماره ۴، صص ۸۵-۱۱۲.
۸. مهربان پور، محمد؛ جندقی قمی، محمد و منصور محمدی (۱۳۹۶)، بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر بکارگیری معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته، فصلنامه حسابداری و ارزشی، شماره ۳، صص ۱۴۷-۱۶۸.
۹. نونهال نهر، علی اکبر، جبارزاده کنگرلویی، سعید و یعقوب پور، کریم (۱۳۸۹)، رابطه بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۵۵-۷۰.
10. Adhikari, A., Derashid, C. and Zhang, H. (2006), "Public policy, political connections, and effective tax rates: longitudinal evidence from Malaysia", *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 25 No. 5, pp. 574-595.
11. Adiarti, A. & Vera, D. (2016), *The Impact of Family Ownership and Political Connections on Earnings Management*, *Simposium Nasional Akuntansi*, pp 1-21.
12. Alam, Q. and Teicher, J. (2010), "State of governance in a transitional democracy: the case of Bangladesh", Working Paper, Monash University, Australia.
13. Bartels, L.M. and Brady, H.E. (2003), "Economic behaviour in political context", *American Economic Review*, Vol. 93 No. 2, pp. 156-161.
14. Bertrand, M.; Mehta, P. and Mullainathan, S. (2002). "Ferretting Out Tunneling: an Application to Indian Business Groups". *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 39. No. 3, pp: 369-353
15. Braama G., Monomita Nandy, Utz Weitzela, Suman Lodh. (2015), "Accrual-based and real earnings management and political connections", *The International Journal of Accounting*, Vol. 50, pp 111-141.
16. Claessens, S., Feijen, E. and Laeven, L. (2008), "Political connections and preferential access to finance: the role of campaign contributions", *Journal of Financial Economics*, Vol. 88 No. 3, pp. 554-580.
17. Cull, R., Li, W., Sun, B. and Xu, L.C. (2015), "Government connections and financial constraints: evidence from a large representative sample of Chinese firms", *Journal of Corporate Finance*, Vol. 32, pp. 271-294
18. Ding, S., Jia, C., Wilson, C. and Wu, Z. (2014), "Political connections and agency conflicts: the roles of owner and manager political influence on executive compensation", *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Vol. 45 No. 2, pp. 407-434.
19. Faccio, M. (2010), "Differences between politically-connected and non-connected firms: a cross country analysis", *Financial Management*, Vol. 39 No. 3, pp. 905-928.
20. Fan, J.P.H., Wong, T.J. and Zhang, T. (2007), "Politically-connected CEOs, corporate governance, and post-IPO performance of China's newly partially-privatized firms", *Journal of Financial Economics*, Vol. 84 No. 2, pp. 330-357.

21. Francis, J. (1984). "The effect of audit firm size on audit prices: a study of the Australian market". *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 6 No.2, pp. 133-51.
22. Gul, F.A., Sun, S.J.S. and Tsui, J.S.L. (2003), "Tracks: audit quality, earnings, and the Shanghai stock market reaction", *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, Vol. 18 No. 3, pp. 411-427.
23. Henock Louis. Acquirers Abnormal Returns, Audit Firm Size and the Small Auditor Clientele Effect , *Journal of accounting and economics* 2005 .
24. Houston, J. F., Jiang, L., Lin, C., & Ma, Y. (2014). Political connections and the cost of bank loans. *Journal of Accounting Research*, 52 (1): 193-243.
25. Johnson, S. and Mitton, T. (2003), "Cronyism and capital controls: evidence from Malaysia", *Journal of Financial Economics*, Vol. 67 No. 2, pp. 351-382.
26. Jensen, M. C. (1993). The Modern Industrial Revolution, Exit, and the Failure of Internal Control Systems. *Journal of Finance*, Vol. 48. PP 831- 880.
27. Jian, Ming, and T.J. Wong, (2010) "Propping through Related Party Transactions". *Review of Accounting Studies*, forthcoming.
28. Johnson, S., R.L. Porta, F. Lopez-de-Silanes, A. Shleifer .(2000). "Tunneling". *American Economic Review Papers and Proceedings* .59-92.55
29. Khan, A., Dessalegn, G, Mihret, M & Badrul Muttakin , (2016), "Corporate political connections, agency costs and audit quality ", *International Journal of Accounting & Information Management*, Vol. 24 Iss 4 pp. 357 – 374
30. Khwaja, A.I. and Mian, A. (2005), "Do lenders favour politically-connected firms? Rent provision in an emerging financial market", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 120 No. 4, pp. 1371-1411.
31. La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A. and Vishny, R. (2000), "Investor protection and corporate governance", *Journal of Financial Economics*, Vol. 58 Nos 1/2, pp. 3-27.
32. Liu, Y, Li, X, Zeng, H (2016), Political connections, auditor choice and corporate accounting transparency: evidence from private sector firms in China, *Accounting and Finance*, pp 1-28.
33. Leuz, C. and Oberholzer-Gee, F. (2003), "Corporate transparency and political connections", Mimeo, Wharton School, Philadelphia, PA.
34. Leng, Xiaorong, Quanxi, Quanxi, Haijian (2016) Political connections, overinvestments and firm performance: Evidence from Chinese listed real estate firms, *journal homepage: www.elsevier.com/locate/fri*
35. Shleifer, A. and Vishny, R. (1994), "Politicians and firms. *Quarterly Journal of Economics*", Vol. 109 No. 4, pp. 995-1025.